



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### موضوع: تشخیص اوقات/مواقیت الصلاة

عرض کردیم در مسائل فقهی گاهی تفریع فروع بر اصول و گاهی ارجاع فروع بر اصول داریم، در صورت اول آنچه که از قران و اخبار اهل بیت علیهم السلام فهمیده ایم به عنوان اصول و احکام و معارف فقهی بیان می کنیم و بعد فروعی را بر آنها متفرع می کنیم و در صورت دوم بر عکس ابتدا فروعی را در نظر می گیریم و بعد آنها را با اصل متناسب خودش تطبیق می دهیم خلاصه فقیه باید هر دوی اینها را بداند و تخصص داشته باشد.

مطلب دیگر اینکه گاهی در فقه شرط وجوب داریم و گاهی شرط واجب داریم، شرط وجوب با شارع مقدس است مثلاً شارع استطاعت را به عنوان شرط وجوب برای حج ذکر کرده و اما بعد از تحقق وجوب نوبت به شرط واجب می رسد که مربوط به ماست یعنی ما باید ببینیم مثلاً برای حج چه اصول و فروعی ذکر شده و حج را به چه صورتی باید انجام بدهیم و یا مثلاً شارع مقدس امر به معروف و نهی از منکر را واجب کرده و اما بعد از وجوب نوبت به شرط واجب رسیده که سه شرط برای آن ذکر شده؛ اول اینکه آمر و ناهی باید عالم به مأمور به و منهی عنه باشد دوم شرط تاثیر است یعنی باید علم یا ظن به تاثیر داشته باشد و سوم اینکه ضرری برای فرد یا جامعه نداشته باشد، البته صاحب جواهر اینها را شرط وجوب دانسته ولی امام رضوان الله علیه و صاحب مسالک اینها را شرط واجب می دانند

و بنده نیز بر خلاف صاحب جواهر اینها را شرط واجب می دانم نه شرط وجوب.

خب و اما صاحب عروه در مسئله ۴ از مسائل مربوط به اوقات صلاة اینطور فرموده: «إذا لم يتمكن من تحصيل العلم أو ما بحكمه لمانع في السماء من غيم أو غبار أو لمانع في نفسه من عمى أو حبس أو نحو ذلك فلا يبعد كفاية الظن لكن الأحوط التأخير حتى يحصل اليقين، بل لا يترك هذا الاحتياط»<sup>۱</sup>.

این مسئله نیز مربوط به شرط وجوب می باشد، گفتیم که امثال مراتبی دارد؛ اول امثال علمی تفصیلی، امثال علمی اجمالی، امثال ظنی و در آخر امثال وهمی، و اینجا نیز از موارد عدم جواز به ظن استثناء شده یعنی امثال علمی لازم نیست بلکه امثال ظنی کافی است.

محقق حلی در شرایع فرموده: «الثالثة: إذا كان له طريق إلى العلم بالوقت لم يجز له التعويل على الظن. فإن فقد العلم اجتهد فإن غلب على ظنه دخول الوقت صلي»<sup>۲</sup>.

علامه در قواعد فرموده: «فإن ظن الدخول - ولا طريق إلى العلم - صلي»<sup>۳</sup>.

در مسئله ای که از عروه خواندیم آیت الله خوئی حاشیه ای دارد و فرموده: "الأظهر أن جواز الاكتفاء بالظن يختص بالمواعن النوعية، ولا بأس بترك الاحتياط بالتأخير في مواردها".

خب واما اخبار مربوط به این بحث را باید بخوانیم تا مطلب روشن شود، در باب ۴ از ابواب مواقیت الصلاة

<sup>۱</sup> العروة الوثقى، سيد محمد كاظم يزدي، ج ۲، ص ۲۷۸، ط جماعة المدرسين (الحشى).

<sup>۲</sup> شرایع، محقق حلی، ج ۱، ص ۵۳، ط اسماعیلیان.

<sup>۳</sup> قواعد الاحکام، علامه حلی، ج ۱، ص ۲۴۸.

و عنه یعنی محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی ابو جعفر عطار قمی عن محمد بن حسین بن ابی الخطاب که همگی خوب هستند عن عثمان بن عیسی که کان شیخ الواقفة و وجها ولی ثقہ می باشد عن سماعة. بقیه بحث بماند برای بعد إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله  
علی محمد و آله الطاهیرین

خبری ذکر شده، عنوان باب این است: "أنه إذا زالت الشمس فقد دخل وقت الظهر والعصر ويمتد إلى غروب الشمس، وتختص الظهر من أوله بمقدار أدائها وكذا العصر من آخره" و خبر این است: ﴿وعنه، عن عبد الله بن جبلة، عن ابن بكير، عن أبيه، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: قلت له: إني صليت الظهر في يوم غيم فانجلت فوجدتني صليت حين زال النهار، قال: فقال: لا تعد ولا تعد. ورواه ابن إدريس في (آخر السرائر) نقلا من كتاب عبد الله بن بكير نحوه. أقول: النهي عن الإعادة يدل على دخول الوقت، والنهي عن العود لكونه ترك النافلة، أو لكونه صلى مع الشك في الوقت.﴾<sup>۴</sup>.

و عنه یعنی شیخ در تہذیب باسناده عن حسن بن محمد بن سماعة کہ فقیہ ثقة ولی واقفی المذهب و از طبقه ۵ است، عبد الله بن جبلة نیز واقفی المذهب است ولی ثقہ می باشد و از طبقه ۶ است، عبد الله بن بکیر فطحی المذهب است عن أبيه یعنی بکیر کہ خوب است.

خبر بعدی در باب ۶ از ابواب قبله ذکر شده خبر این است: ﴿وعنه، عن محمد بن الحسين، عن عثمان بن عيسى، عن سماعة قال: سألته عن الصلاة بالليل والنهار إذا لم ير الشمس ولا القمر ولا النجوم، قال: اجتهد رأيك وتعمد القبلة جهداً. محمد بن الحسن بإسناده عن محمد بن يعقوب مثله ومثل الذي قبله. وإسناده عن الحسين بن سعيد، عن الحسن، عن زرعة، عن سماعة مثله. وإسناده، عن محمد بن يحيى مثله﴾<sup>۵</sup>.

<sup>۴</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۹۴، ابواب مواقیب الصلاة، باب ۴، حدیث ۱۶، ط الاسلامیة.

<sup>۵</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۳، ص ۲۲۳، ابواب قبله، باب ۶، حدیث ۲، ط الاسلامیة.